

(شماره ۲)

# ایستادن

مجلد ۶

اداره : کابل جاده ارگ  
مؤسس و صاحب امتیاز : محیی الدین

مدیر محمد امین خوکبانی

اشتراک سالانه ۱۲ افغانی

محصول پوست ۲

خارج ۲۰ شلنگ

۱۳۵۰ محرم ۳ May 8 1932

تأسیس ۱۳۰۶

۲ شنبه ۲۰ ثور ۱۳۱۱

## افتتاح سال دوم مجلس

شورای ملی افغانستان

در شماره ۴۸ تاریخ ۶ ثور از رسیدن و کلاه ولایت قریبه مجلس شورای قارئین کرام خود را اطلاع داده بودیم ، چون درین روز ها وکلای ولایت بعیده نیز وارد مرکز گردیدند ، اینک خوشبختانه اجمال مراسم افتتاحیه سال دوم شورای ملی را بناظرین محترم خویش عرضه مینماییم : چون ذات شاهانه ازین اراده سنیة شان که افتتاح این مجلس را بروز پنجشنبه ۱۶ ثور میفرماید قبلاً ریاست شورا خبر داده بودند از آنجا برای شمولیت درین تقریب سعید بعموم کابینه وزراء و اعضای موقر مجلس اعیان اطلاع ؛ و بساعت سه و نیم بعد از ظهر پنجشنبه جناب مستطاب افخم صدر اعظم صاحب باورزای معظم و اعضای موقر مجلس اعیان وعده از معاریف در عمارت شورای ملی حضور بهم رسانیده باتفاق وکلای محترم انتظار موکب شهر یاری را می کشیدند .

ذات شاهانه تام بساعت ۴ و اردحن عمارت شورای گردیده رسم تعظیم شان از طرف آن قطعهء مکرری که محترمانه صف بسته بودند با موزیک انجام گردید بعد ازین که حضور مرحوم ظهور شهر یاری رونق افزای عمارت عالی شورای ملی شدند ، تمام حضار احتراماً باستقبال شان قیام و مراسم تکریم و سلام را بکمال مسرت انجام دادند پس از جواب سلام و فراغ از احوال بررسی اعلیحضرت غازی یک نطق نهایت فصیح و بلیغ را ایراد و از ثرات نافع آن در مراتب خلوصیت و فعالیت حضار ایزاد فرمودند که مطالب آن را ذیلاً ماباظار ناظرین موقر خود تقدیم مینمایم :

نطق افتتاحیه اعلیحضرت غازی

بسم الله الرحمن الرحيم

« بنام خدای متعال سال دوم مجلس شورای ملی را افتتاح مینمایم ! »

« خداوند پاک را شا کریم تا شما وکلای عزیز که نمایندگان تمام ملت عزیز ما هستید بخیریت عودت کرده بایک آرزوی پاک و

مقدس تکالیف خود را در سال دوم شورای ملی آغاز مینمائید و خدا را باید زیاده شکر نمود که در سایه اتحاد و اتفاق این همه سعادت را با ارزانی فرموده است ، هر کسی جزئی اطلاعی بحال سابق دارد میداند که نفاق و شقاق باعث یک انقلاب بزرگ خانانوسوز گردید و مسئله بحدی بزرگ و وخیم و ملت مصائب و تکالیف طاقت فرسای را دچار گشت که ابداً گمان نمیرفت بار دیگر ؛ اوضاع کسب سکون و آرامش نموده و راحت و آسایش عامه باین مدت قلیل تأمین گردد ، حتی من نیز متوقع نبودم ، این آتشی که در سرتاسر وطن شعله ور شده باین زودی و آسانی خاموش شود ولی خدا را شکر می کنم که بمرحمت خودش سعادت و آرامش را با نصیب فرمود ، و کشتی وطن از غرقاب محن و مصائب بی شماری نجات یافت ، و بعلاوه ، مواهب دیگر را نیز بمرحمت و ارزانی فرمود که آن ایجاد و برقرار شدن اتحاد و اتفاق بین عموم اقوام و عشایر است تا برای جبران مافات و بوجود آوردن وسایل ترقی و آبادانی



دست بدست هم داده اند و با تمام هم و  
معايي خود در ترقی و عمران وطن میکوشند»  
« بنگي از دلايل اتحاد و اتفاق وجود ناياند  
مکان ملت در شوراي ملي و اشتراك مساوي با  
حکومت است و علي هذا مي بينيم در سرداسر  
مملکت يك جهتي و اتحاد بوجود آمده کابينه  
وزراء و مامورين با اشتراك مساوي و کلاي  
ملت در صدد برآمده اند که يك آن اولتر  
موجبات ترقی و اعتسلا را نامين و وطن خود  
شانرا از حضيض ذات باوج ترقی و رفعت  
برسانند»

« اين مسئله حقيقتاً مرا خيلي مسرور  
و جداً اميد وار مي سازد که وطن عزيز  
ما در آتیه بسيار قريب مرا حل عاليتر  
و اطي کرده و در ردیف اقوام مرقی  
عالم بشمار آيد . »

« اينک با يك مسرت افزون افتتاح سال  
دومين شوراي ملي را بشما تبریک ميگويم »

معروضه و کلاي شوراي ملي

بمحضور شهر ياری

بعد از ختام اين نطق افتتاحيه ، ج آقای  
عید الاحد خان رئيس صاحب شوراي ملي و کالتا  
از طرف و کلاي محترم معروضه آتيرا قرائت نمود :

بسم الله الرحمن الرحيم

اعليحضرت حيات بخشای ما !

درين موقع که خوش بختانه بمحضور  
اعليحضرت حامی و منجی خود مشرف  
هستيم مناسبتاً تبریک افتتاح سال دوم  
مجلس محترم شوراي ملي را تقديم نموده  
بسلامتی اعليحضرت و خوش بختی

افغانستان دوام اين مجلس عالی را موفقانه  
از خدای رحيم مهربان خواستاريم .  
اعليحضرتا ! از جمله خدمات قيمتداري که  
اعليحضرت غاري در کمال آر زوی ملت  
برورانه برای سعادت حال و مال مملکت  
ايراز فرموده اند و ملت از ادای شکريه  
آن عاجز ميباشد تا سايس شوراي ملي است  
که بیک اساس صحيح و منظمی تشکيل  
و از ۱۴ سرطان ۱۳۱۰ افتتاح و بکار  
آغاز نموده است .

در دوره سال گذشته نظر بکمی وقت و  
مصروفيت با انتخابات و تشکيلات اداری  
نتوانسته آنچنان وظايفی را که در نظر  
داشته است ایفا نماید ، و تنها بوضع چند  
اصول مانند « اصول اساسی » مملکت  
و « وظايف داخلی شوراي » و غيرها  
که نسبتاً بيشتر طرف احتياج بوده پرداخته  
است ، ولی درين دوره سال دوم از فضل و  
توفیقات حضرت الهی و توجهات جهاندرجات  
اعليحضرت غازی اميد وار هستيم که مجلس  
شورا وظايف پرتیر و اکملی را نسبت  
بسال اول که اسباب آسایش و  
خوش بختی ملت باشد انجام دهد  
و هم مجلس عالی اعيان که قبلاً بار اذمه  
حکومت متبوعه ما در موقع تعطیل اصولی  
مجلس شوری تشکيل شده اميد است  
وظايف شایسته و خدمات عالیه را که مفاد  
حکومت و ملت در آن باشد در ساحت اعمال  
گذارد .

اعليحضرتا ! اجرا آت حکومت عصر  
اعليحضرت نادر شاهی ملت را بسعادت

و درخشانی مملکت اميد وار می سازد  
زیرا می بینيم که هیئت اداری دولت  
بر وفق خیالات حکومت متبوعه خود  
صادقانه و فعالانه رفتار می نمایند و الحمد لله  
تعالی از فضل و کرم الهی و حسن نیت  
خير اندیشانه اعليحضرت غازی آسایش  
وامنیت عمومی در وطن حکمفرماست  
و از افکار صحیح و تدابیر فیلسوفانه  
شاهانه روز بروز اسباب سعادت دینی  
و دنیوی ملت تأمین شده و می شود ، از  
حضرت الهی اميد واريم که بتوجهات شما  
فرد اول و زمامدار منجی ما نواقصان  
مملکتی بیک مدت کمی اصلاح شده  
ومات افغانستان بسعادت و تعالی حقیقی  
تائل شوند ، در خاتمه توفیقات کامله را  
برای مجلسین شوراي ملي و اعيان باجرای  
وظايفی که در عهده دارند و هم چنان برای  
تمام دوائر دولتی مسئلت نموده سلامتی  
اعليحضرت شما و ترقی و دوام مملکت  
عزیز و استقلال افغانستانرا از خدای  
کریم نیاز مینمائيم .

نطق اختتاميه ذات شاهانه

پس از قرائت معروضه فوق ذات ملوکا  
بیانات آتی را ایراد فرمودند :

« از دست وزبان که بر آید ،

« کز عهده شکرش بدر آید ،

« خيلي جای مسرت است که می بینيم

و کلاي ملت از اوضاع و جریانات مملکتی

راضی و خوشنود هستند ، تا جا نیکی

می شنوم بمرحمت الهی تمام ملت عزیز

آرام و آسوده هستند و همیشه بهامزده



## مقاله وارده

## درس عسکر

## یا یوم حج الا کبر

چون از رمضان شریف تا به ایام ذی الحجه الحرام در تبلیغ بسمت مشرق مشغول بودم - بارها ذکر حج اکبر آمده و من سایل را جواب دادم لا کن به کابل رسیده خیال کردم که این مسئله را توضیح بدهم . و حج هر سال آمدنی است تا کسانیکه نمیدانند ، اوشان بدانند ، در عرف عام حج اکبر آنست که یوم جمعه یوم عرفه توافق نماید این زبان زد خاص و عام است ، و در قرآن شریف که یوم حج اکبر است مراد ازان یوم نحر ، یعنی روز عید قربان یا روز نهم (عرفه) است ، چنانچه در تفسیر درمنشور شریف بروایات متعدد مذکور است البته در تفسیر جلالین فقط یوم عید را آورده ، و روایت عرفه را امام سیوطی رحمه الله تعالی ترك کرده اما اجتماع یوم جمعه و عرفه یکجا آمدن دو عید است چنانچه حضرت عمر رضی الله تعالی در جواب یهودی فرموده بودند « یوم جمعه بهترین روزها است » چنانچه در مسلم شریف بروایت حضرت ابو هریره رضی الله تعالی عنه مرویست (حدیث) خیر یوم طلعت علیه الشمس یوم الجمعة الحدیث بهتر

ساکنین این خاک اعم از مامورین و افراد ملت خیالات و احساسات ترقی پیدا شده و هر کس آرزو دارد که قوم ترقی کند ، همین مسئله یعنی نشئت خیالات و آرزوهای ترقی در دماغ عامه بزرگترین عوامل ترقی بشمار می آید .

و اگر چنانچه می بینیم وزرا و شورای ملی و اعیان و جمعیت العلماء و همه مامورین یمساعی متحدانه خود ادامه دهند بی شبه موفقیت های درخشانی عابدون نصیب این مملکت خواهد .

در خاتمه دست نیاز را بدر گاه خالق بی نیاز بر افراشته دعا و از خدای متعال آرزو می کنم که مرا توفیق بدهد تا به طریق مستقیم شریعت در تأمین سعادت و بهبود جامعه بگویم ( متابعت حضار در دعا و گفتن آمین ) و شما نیز بتوفیقات ایزدی بتوانید بادل پاک و محبت و علاقه بسعادت و آبادانی وطن مصدر خدمات تاریخی برای وطن و ملت خود بشوید ( آمین الهی آمین ) و از خداوند جل شاناه استدعای کنم که افغانستان همیشه پر امن و نابل هر گونه ترقیات مشروع بشود ، آمین یارب العالمین .

بعد از اتمام این ادعیه ؛ ذات های یونی باتمام حضار اظهار لطف و مرحمت نموده از عمارت شورای ملی خارج و مکرراً رسم تعظیم شان از جانب حضار و قطعه عسکر انجام گردید .

خیریت و آرامش ملت عزیز ما را میدهند در صورتیکه بعکس در عصر های سابق اطلاعات رقت آوری از زحمات و تکالیف ملت که بان مصاب بودند بگوش میرسید ، و اسباب تأثیر خاطر میگردد ، همینکه می بینیم در همه امور لطف خداوندی با ما همراه است و بهرحالت بی نهایت خویش اینهمه سعادت و فلاح و آرامش را نصیب ما فرموده است ، قلباً مسرور و باین مرحمت الهی اظهار منت و شکر مینمایم و از او تعالی استرحام می کنم که این مرحمت های بی پایان خود را همیشه در حق ما مبذول و مرحمت بفرماید .

و نا گفته نماند ، ترقی اعمال انسانی منوط با ایجاد و اتخاذ يك خط حرکت صحیح و معین است و تا کسی خط حرکت خود را تشخیص ننماید محال است به سر منزل مقصود برسد ، و يك خط حرکتی که بتواند وسایل راحت و آبادانی و ترقی و اصلاح را ایجاد نماید همان اتحاد و اتفاق و پابندی با احکام الهی است ، و یقین و اتفاق داریم که کابینه و شورا و اعیان و همه مامورین و جمعیت العلماء از طریق اتحاد در رفع نواقص و ایجاد يك ترقی خوشگوار اجرای حرکت و بذل مسائل نموده در کارها و وظایف خود جز لحاظ خداوند و ترقی و بهبود وطن و ملت هیچ لحاظ و مدعی را نخواهند نمود .

و يك چیز دیگر هم که فوق العاده اسباب امید واری است ؛ اینست که در همه





زوزیکه بران آفتاب طلوع کرده یوم جمعه است در حقیقت کسیکه زاد سفر حج داشته باشد ، و هیچ نرود بدترین گناه است چنانچه رسول الله (ص) من ملک زاد او را حلتہ تبلفه الی بیت الله ولم یحج فلا علیه ان یعموت یهودیا اوانصرا نبیا ) یعنی کسیکه مالک زاد سفر و سواری باشد ، که او را به بیت الله برساند و حج نکرد پس برو پرواه این نیست که یهودی بمیرد یا نصرانی امام المتکلمین حضرت شاه ولی الله صاحب میفرماید ( المصلحت المرعیه فی الحج اعلی کلمته الله و موافقت سنت ابراهیم علیه السلام ) الخ در حج رعایت مصلحت اعلی کلمه الله شد ، و موافقت سنت حضرت ابراهیم علیه السلام است ، پس سنت ابراهیم علیه السلام دو اند ، که قربانی جانی را نشان میدهد ، اول قربانی جان خود حضرت ابراهیم علیه السلام که برای اسلام در آتش انداختن خود را پسند فرمودند - دوم قربانی حضرت اسماعیل است ، پس فرزندان اسلام باید که این را یاد داشته باشند ، پس چون حضرت ابراهیم علیه السلام برای اسلام جان و فرزند خود را قربان کرد یعنی نمرود بسبب دعوت اسلام حضرت ابراهیم علیه السلام را در آتش انداخت ، و او شان بطیب خاطر قبول کردند و نیز ابراهیم علیه السلام بحکم

خدا فرزند خود را یعنی حضرت اسماعیل علیه السلام را بدست خود ذبح میکرد ، که بجایش حکم ذبح کوسفند منظور شد پس در یوم حج اکبر یعنی عید قربان که قربانی جانور و ذبح بر مسلمان غنی واجب است که یادگار قربانی سنت حضرت ابراهیم علیه السلام است ، لغرض یوم عرفة و یوم جمعه که بهترین روزها است اگر یک روز هر دو تصادف کند ، لاکن در قرآن شریف یوم حج اکبر آنرا میگویند ، که گذشت ای شیخ چه جوئی شب قدر نشانی هر شب شب قدر است اگر قدر بدانی در حج جناب رسول الله صلی علیه وسلم تهلیل توحید فرموده تلبیه گفتند ( لیبیک اللهم لیبیک لا شریک لک لیبیک الحمد و النعمت لک و المملک ولا شریک لک ) چون بیت الله را دیدند پس رو بقبله گفتند ( لا الله الا الله وحده لا شریک له له المملک و له الحمد و هو علی کل شیء قدیر لا الله الا الله وحده لا یجز وعده و انصر عبده و اهزم لا حزب وحده ثم ) دعا بین ذلک فقال مثل هذا ثلاث مرات ) الخ ( فتح لقدير ) یعنی اللهم لیبیک ای باریتعالی حاضر ایستاده ایم برای طاعت تو و ترا شریک نیست پس رسول الله (ص) بار بار باواز بلند لیبیک لیبیک می فرمایند ، الله اکبر این چه عشق و محبت است ، باز می فرماید که ما لک مملک تو هستی و باز میفرمایند

الهی مدد بنده خود بکن و شکست بسده احزاب را - پس چنانچه امام المتکلمین حضرت شاه ولی الله صاحب فرموده بدون فوائد اخروی در دنیا از حج مصلحت اعلی کلمت الله است پس چون در حج بحضور باریتعالی حاضر شده و دعا میکنید که ای خداوند تعالی اعداء اسلام را شکست بده و میگویند که الهی ما برای اطاعت حاضر هستیم ، همچنین وقتی که اعداء اسلام برای محو اسلام کمر بسته و ممالک اسلام هجوم میکنند ، خلیفه و پادشاه اسلام شما را دعوت برای دفاع دشمن بخواند - شما فی الحال خود را حاضر میکنید چنانچه ابراهیم علیه السلام جان خود را در آتش انداختن گوارا فرموده بودند ، همچنین شما خود را برای اعلی کلمته ان در آتش میاندازید ، چنانچه آنحضرت بحکم خدا پسر خود را قربان کرده - شما هم اولاد خود را برای دین اسلام قربان خواهید کرد - چنانچه در سفر حج زاد سفر همراه خود میبرید هم چنین بمقابله اعداء اسلام زاد سفر خود را خود میبرند ، چنانچه برای حج سفر میکنید همچنین برای اعلی کلمت الله سفر بری و بحری را اختیار کنید ، چنانچه در حج فسق و بد گوئی و جنگ و جدال در میان حاجیان خداوند منع فرموده ، و حاجیان میان خود جنگ نمیکند هم چنان هم اگر در میدان جنگ جمع شدند





اثر اعظمی :

### تابلوی یکشب بهار

اشجار زچادر مسکوفه  
در پرتو مه چو خاوری بود  
تالاب صفای جنب کاشن  
آئینه رسم منظری بود  
در شاخه بید مرغ حق کو  
تالان و ز آب شر شری بود  
چرخ از ره مهر بادل صاف  
آن شب ز گذشته خوشتری بود  
آهسته نسیم در تبکا بو  
بهر دل خسته رهبری بود  
بنشستم و با حضور خاطر  
حظ بردم از آنکه دلبری بود  
بامرغ شبم نوا در افتاد  
آن شب که رفیق وهم سری بود  
القصه در آن شب صفا بخش  
بودیم تا ماه و اختری بود

شب بود و شبی منوری بود  
شب باد روح پروری بود  
در گوشه بام و در دل شب  
ماه بود و مه سمن بری بود  
آغاز بهار و موسم کمال  
گل بود و کلی معطری بود  
از نیکبخت نو بهار خندان  
در روح نشاط دیگری بود  
دوشبزه ککان باغ بر گل  
چون خیل سفید چادری بود  
از پرتو ماه جوی باران  
شفای چو موج کوهی بود  
از لرزش شاخسار اوراق  
آهسته وزم فر فری بود  
رخشنده چو بر لیدان شبم  
بر سبزه و گل چو افسری بود

شهادت میان خود جنگ نخواهید کرد .  
بروز نهم ذی الحجه الحرام یعنی یوم  
عرفه در میدان عرفات تمام حایان دنیا قیام  
میکنند ، امیر حج خطبه می خواند — در آن  
تمام ضروریات ترقیات و دفاع دشمن حسب  
ضروریات وقت بر فرزندان اسلام اعلان  
میشود ، درین میدان اگر کس حاضر نشد  
حج او نشد — ازین وجه رسول الله (ص)  
فرموده اند احج عرفه ، یعنی بوجه فوت  
شدن قیام عرفه حج فوت میشود پس گو یا  
در حقیقت دار و مدار حج بر قیام عرفه است ،  
اسلام پیغام محبت است که پراگندگان را  
یکجا میکند ، برای اتحاد اهل محله جماعت  
پنجگانه برای شهر ، نماز جمعه برای اتحاد  
شهر و اطراف نماز عید در سال دو بار  
و برای اتحاد تمام عالم اسلام یعنی اقوام مختلف  
مسلمای مختلف رنگهای مختلف حج بیت الله  
تمام حاجیان به لباس ساده بیک رنگ میباشند  
یعنی شهادت مابین خود اقوام مختلفه به یک  
وحدت باشید ، خدا و رسول خدا و کتاب  
خدای مایک سلسله هم چنین مسلمانان عالم  
یک ملت است ، چنانچه رسول الله (ص)  
فرموده الاسلام مله واحده یعنی مسلمانان  
عالم ملت واحد اند کسانی که  
( لا اله الا الله محمد رسول الله ) بصدق  
گفت برادر یک دیگر شد اگر چه یکی باشند  
غریب باشد و دیگر از شرق ، چنانچه  
خدا فرموده انما لکم من دین واحد یعنی بخزاین  
نیست که تمام مسلمانان برادر یک دیگر اند باقی  
بتوفیق تعالی آیند . ( فضل ربی )  
در کن جمیع العلماء



## پیشنهاد فرانسه و اثرات

آن در جامعه ملل

روزنامه تبمس منطبه لندن معتقد است پیشنهادی که از طرف دولت فرانسه بوسیله «تاردیو» برای خلع سلاح تقدیم کنفرانس خلع سلاح گردیده است در تشکیلات جامعه ملل يك سلسله تقيديرات اساسی بوجود خواهد آورد و می نگارد: در پیشنهادات فرانسه قيد گردیده است که دولت مشار اليها تصمیم نهائی خود را اتخاذ نموده و منتظر است که سایر ملل هم تصمیمات خود را بگیرند.

ولی سایر ملل تصمیمات خود را در موقع عقد میثاق جامعه گرفته اند این تصمیم مشترك از طرف دولت فرانسه هم اتخاذ شده و عبارت از آنست که جامعه ملل باید يك اتحادیه ار ملل آزاد بوده و هر يك از اعضای آن سيادت و استقلال خود را حفظ نموده و داو طلبانه برای منافع عمومی که اهم آن عبارت از حفظ و بقای صلح و حل اختلاف بوسایل حکمیت و مذاکرات است اشتراك مساعی نمایند در این اواخر هم پیشنهاد شده بود که جامعه ملل را بصورت يك مؤسسه صلح و قوی در بیاورند تا بذا بوسیله اختلافات احتمالی ملل را حل و فصل نمایند ولی پس از مطالعات زیاد این فکر مردود شد

و یقین حاصل گردید که اصول صلح جویانه مصوبه با آنکه ممکن است منتهی بموفقیت نشود ولی شانس عدم موفقیت آن برای حل اختلاف کمتر از توسل بجنگ برای تضمین صلح نبوده و خطرات آن هم قلیل میباشد.

فعلاً باید دول این قضیه مهم را روشن و آشکار نمایند که آیا از سال هزار و نهمصد و نوزده به این طرف تغییراتی که موجب نسخ تصمیم متخذه یعنی انحلال جامعه ملل کنونی بشود بوجود آمده است تا بتوان جامعه ملل دیگری برشالوده افکار مردوده سابق بنانمود در اوایل تصور می شد که دولت اتازونی که پروژه انعقاد جامعه ملل از مبشکرات و بلسن رئیس جمهور آن مملکت بوده است در جامعه شرکت جوید ولی نه تنها شرکت نجسته بلکه بعد ها هم ملحق بجامعه نخواهد شد بنابر این باید متوجه بود که اگر احبانا اختلافی بین جامعه ملل و واشنگتن حاصل شود چه باید کرد.

از نقطه نظر دولت انگلستان که دارای موقعیت ممتاز بوده و مرکب از ملل و ممالکی است که بواسطه علائق تاریخی و شعائر مشترک و بالاخره وفاداری سخت و تاج بریطانیا جزء لاینفک آن شده اند وجود يك قدرت مرکزی موجب

اختلال بل انحلال این وحدت امپراطوری خواهد شد و معین است که اعطای اختیارات و دادن قوای مسلح بیک مرکزی مثل جامعه ملل که مرکب از ۵۰ مملکت مختلف لسان و مختلف العقیده بوده و اثرات و شعائر و مسالک آنها بایکدیگر نیاين دارد و هیچ وجه اشتراکی جز عضویت جامعه ملل بایکدیگر ندارند چقدر برای وحدت امپراطوری انگلیس زیان خواهد داشت يك نظریه دیگری هم وجود دارد که

بایستی مورد توجه دولت فرانسه واقع شده باشد و لی در یادداشت آن دولت ذکر نشده و آن اینست که ملل عالم مثل افراد بشر هیچ وقت بیک مؤسسه که موظف بتایید قوانین و اجرای آن است ملحق نخواهند شد مگر آنکه یقین داشته باشند برای اصلاح و تربیت قوانینی که اجرای آن غیر ممکن شده و یا تعدیل قوانینی که فاحش بنظر آمده است قدرت دیگری هم وجود دارد پیشنهاد دولت فرانسه تنها جامعه ملل را بصورت يك دولت مقتدر مطلقه در بیاورد بلکه بدان صورت مؤسسه میدهد که موظف بتجدید نظر در قوانین بین المللی و معاهداتی است که قوانین مزبوره برپایه آنها استوار شده است و این نباید تعجب کرد که چرا اغلب از دول که تا کنون نقشه فرانسه را تعبیر نموده در امکان اجرای آن شکوک بوده و از آن سوال مینمایند که فرضا در صورت امکان



اجرای این نقشه علمی کردن آن از روی دارد یا نه ؟

### نظریه منچستر کاردین

روزنامه منچستر کاردین منطبعه منچستر که منسوب به آزادی خواهان است نسبت به پیشنهاد فرانسه در کنفرانس خلع سلاح اینطور اظهار عقیده میکند :

پیشنهاد دولت فرانسه در کنفرانس خلع سلاح که هم غیر مترقیه و هم مهم بوده است عیناً شبیه به خون تازه ایست که در جسد مرضی ضعیف و بی بنیه تزریق شود بهبودی مریض را از این تزریق آنآ می توان تشخیص داد و باید منتظر امتحانات دقیق بعد شد پیشنهاد فرانسه را هم بایستی تحت مطالعه دقیق در آورد .

پیشنهاد مزبور بمنزله يك انقلاب نظامی و سیاسی است و هر يك از نکات آن قسمتی از ممالك دنیا را از بعضی جهات بخود مشغول نموده است .

خلاصه آنکه پیشنهاد فرانسه پیش بینی میکند که باید يك پلیس بین المللی با اتکا به قشونی که از طرف قوای فرانسه و یا مثلاً سفایین انگلستان تشکیل گردیده است در اختیار جامعه ملل گذارده شده تا در صورت حمله و هجوم از طرف یکی از دول یا دولت مهاجم نزاع و نبرد نمایند اگر اجازه بدهید بدواً این سوال را مینمایم که آلمان بر طبق مقررات معاهده و رسای از طیارات نظامی ممنوع است آیا انتظار میرود که طیارات تجارتي

خود را هم که بزعم دولت فرانسه در موقع جنگ بصورت طیارات نظامی در خواهد آمد متروک نماید و بجامعه ملل واگذار کند از این گذشته عاقبت این مسئله هم در پیشگاه ما مطرح خواهد شد آیا ممکن است نقشه فرانسه که بکلی دولت اتازونی را از نظر دور داشته قابل اجرا دانست ؟

بروژه دولت فرانسه بایستی مورد مطالعه قرار گیرد در ظاهر نقشه مزبوره حاوی پیشنهاداتی برای حکمیت اجباری و تعیین دولت مهاجم میباشد و البته تعیین دولت مهاجم مشکل نیست زیرا وقتی که دول دنیا تنها يك دولت را مشاهده نمودند که مبادرت بچنگ کرده است البته مهاجم را تشخیص خواهند داد ولی آنچه که دارای اهمیت است فقدان اعتماد میباشد یکی از محسنات قرار داد ژنو این است که اقلاً يك حدودی تعیین کرده که در دایره آن به نسبت رجعت اعتماد ، دول مستدرجا تسلیحات خود را تقلیل دهند و حال آنکه دولت فرانسه با داشتن قوای مسلحه خود وسیله پیشنهاد اخیر از جامعه ملل تقاضا میکنند که امنیتاً ضمانت نماید یعنی حدود ارضی موجوده ممالك را حفظ نماید .

### از ايسرور منطبعه لندن

روز نامه ايسرور که از یکی از روز نامه های مستقل انگلستان است نسبت به پیش نهاد فرانسه عقیده دارد که امنیت بدون خلع سلاح بالاخره منتهی بچنگ خواهد

شد و مینویسد اگر نخواهیم برای اجتناب از چیز نا مطبوعی يك پیشنهاد غیر ممکن بنمایم مرتکب حيله شده ایم مسيو تاردیو پیشنهادات مشروح دولت فرانسه را تقدیم کنفرانس کرده و چنین قلمداد نموده که بانجام وظیفه کنفرانس کمک مهم کرده است - این دو مین مرتبه است که در ژنو تحلیل مسئله خلع سلاح مصادف با يك پیشنهاد صریح و قابل فهم و غیر مبهم شده است دفعه اول چند سال بود که مسيو لیتوینف نماینده دولت شوروی اظهار داشت اگر همکاری پابند خلع سلاح می باشند باید کاملاً و فوراً خلع سلاح شود دفعه دوم هم امروز است که مسيو تاردیو رئیس الوزرای فرانسه برای خلع سلاح پیشنهاد می کند که جامعه ملل تادندان هاسماح شود .

مطالعه پیشنهاد های غیر ممکن الاجرا که امروز در عداد فعالیت سیاسی دول قرار گرفته يك نواخت و خسته کننده است راجع بهمین مسئله خلع سلاح از طرف دول پیشنهاد های غیر ممکن الاجرای زیادی تهیه شده ولی کاری تا کنون صورت نداده اند اگر مسيو لیتوینف در يك خط مشی پستیده خیلی دور رفته رای این بود که میدانست پیشنهاد او پذیرفته نخواهد شد و هکذا ، امروز که مسيو تاردیو با پیشنهاد خود در طرق دیگر خیلی دور میرود مطمئن است که پیشنهاد او عملی نخواهد شد و فرضاً هم که عملی شود هیچ را بطنه با خلع سلاح ندارد امروز دیگر موقع تمجیح گذشته است بودجه ملی هیچيك از دول متعادل نیست در حال حاضر دنیا در هر دقیقه ۸۰ هزار فرانک



بمصرف تسلیحات می‌رساند در این ده سال اخیر، ما کنفرانس بالای کنفرانس منعقد کردیم و عقاید دول را یکی بعد از دیگری تحت مطالعه قرار دادیم. در پیشنهاد کنونی فرانسه قبل از هر چیز تشکیل امنیت ذکر گردیده امنیت یعنی برقراری او ضاع فعلی و وابسته فرانسه و مستعمرات و سرحدات و سایر منافع آن دولت، فرانسه تقاضا کرده است که انتظامات فعلی اروپا تحت نظر جامعه ملل و بوسیله مجازات متجاسر و دولت حمله کننده ابقا گردد دولت متجاسر یعنی چه؟

اگر بنا باشد بگوئیم يك كریه معنای يك كریه را می دهد باید ادعا نماییم که حمله کننده یعنی دولتی که معاهده و رسای را دچار لطمه سازد البته این يك منظور منطقی و جالب توجه و مفید بحال بشر است ولی نفع محال تقلیل یا تجدید تسلیحات ندارد اگر عمق یادداشت فرانسه را تحت مطالعه قرار داده و ببینیم که آیا اجازه تقلیل تسلیحات داده است یا نه مشاهده می شود که حتی يك دوفه هم صحبتی از تقلیل سلاح در میان نبوده است.

روح این پیش نهاد همان روح پروتکل ژنو است یعنی باید با قوه قهریه دول مذکوبه را تحت رقیب دائمی نگاهداشت و بنابر این پیش نهاد تازه نبوده بلکه همان پروتکل ژنو را بوسیله يك جامعه

ملل جدید که هیئت يك دولت قاهره را بخود میگیرد تجدید مینماید این پیش نهاد موجب مناقشات و مجادلات زیادی شده و معلوم نیست که چگونه دنیا را بخدای سلاح هدایت مینماید. بطور خلاصه پروژه فرانسه همان فور مول کهنه تقدم امنیت بر خدای سلاح است و این فرمول دول را بچیزی هدایت نکرده و بعد ها هم بجائی جز میدان جنگ هدایت نخواهد کرد.

بمقدمه ما کنفرانس خلع سلاح برای موفقیت يك راه دارد و این راه ساده عبارت از تقلیل و تجدید تجهیزات است و تجربه نشان داده است که این تقلیل از تدوین قضائی امنیت منتج نخواهد گردید.

از مور نینگ پست منطبه لندن روز نامه مور نینگ پست ارکان محافظه کاران انگلیس نظریه خود را راجع به پیشنهاد فرانسه اشاعه داده و در مقدمه مقاله که در این زمینه نوشته می نگارند مصلح جو هستیم ولی اسلحه خود را بموسسه که نمیتوانم آن را تحت کنترل قرار دهیم تسلیم نخواهیم نمود و سپس اظهار میدارد:

ما باید اعتراف کنیم که مرکز برای امداد از قوای نظامی یا پلیسی شوق و ذوقی از خود بروز نداده و در صدد جالب يك

محاصره بحری یا اقتصادی نبوده ایم. هیچ گونه نفی در بمبارد من یکدسته سفاین هوائی بین المللی و یا طیارات یکی از مالی که در ائتلاف بین المللی داخل هستند نمی بینیم در این عمل پیشرفتی برای صلح مشاهده نشده بلکه فقط قدرت و قوه تغییر اسم داده است يك محاصره اقتصادی در دریا که از طرف جامعه ملل اجرا شود و یا عملیات نظامی خسارت و مهابتش باندازه يك جنگی است که مطابق رسوم گذشته مشتعل شده باشد سیاستمدارانی که بین این جنگ و جنگهای گذشته تفاوتی قائل هستند و یا مالی که در تشخیص این در متحیر مانده اند بنظر ما از تعلیل منطقی دور افتاده اند وقتی که قرار شد از طیاره بمبی در یکی از شهرها بیفتد اعم از اینکه حکم بمبارد مان از ژنو دیابیت حال آمده باشد در دهشت و خسارت آن فرقی حاصل نخواهد شد اگر ملت انگلستان در صحت عقیده صاحب طلبی خود تردیدی ندارد و اگر مصمم است که بحقوق همسایگان خود تخطی یا تجاوز ننماید بهتر است که سلاح خود را حفظ نموده و آن را بدست آن هائیکه تمیذناسیم و از آنها اطمینان نداشته و نمیتوانم ایشان را تحت تفتیش و کنترل قرار دهیم بمبارد

(کلمه)



ع ج والا حضرت شاه وليخان  
در سويس

از هر طرف

گشتاندن و نگهداشتن اسلحه

در ممالك

در فرانسه

اطلاع واصله مشعر است که بتاريخ  
۲۳ جنوری ۱۹۲۲ بمناسبت سال نو از  
طرف رئيس جمهور سويس دعوتی ترتيب  
وهيت کورد دیپلوماتیکه و رجال مهم  
مدعو و جناب والا حضرت آقای شاه  
وليخان وزير مختار اعليحضرت در پاریس  
نیز حسب دعوت شان از پاریس بمملکت  
سويس تشریف برده شمولیت ورزیده  
بودند .

رئيس جمهور کنونی سويس ( مسیوموتا )  
که صفت وزیر خارجه را هم دارد با رئيس  
جمهور سابق سويس از جناب جلالتهاب  
آقای وزیر مختار ما با محبت و الفت  
پذیرائی نموده و باقی وزرا و رجال مهم  
حکومت سويس ، نیز با جناب شان گرم  
جوشی زیادی اظهار و بالخاصه روسای  
موصوف با جناب وزیر مختار کاملاً وقت  
خود را صرف مصاحبه محبتانه نموده و در  
خصوص حکومت متبوعه ما معلومات  
خواسته از اجرا آن ترقیخواهان  
اعليحضرت هایونی تقدیر و تمجید و جدآ  
اظهار تشکر و محبت با شاه متبوع مانموده اند  
جناب وزیر مختار هم بجوابات و تشکر  
شان پرداخته به بسیار گرمی و محبت  
با ایشان پیش آمده اند ، اخیراً روسای  
جمهور سابق و کنونی سويس و باقی وزرای

در فرانسه گشتاندن اسلحه شخصی از  
طرف حکومت ممنوع است ، مگر ساخت  
وفروش آن ازاد میباشد . از همین جهت  
است که واقعات قتل و انتحار درین مملکت  
خیلی زیاد بوده و تقریباً چندین ستون  
جرايد آن ها خبر های قتل و انتحار  
خواه از باعث مایوسیت و خواه بنابر  
مسائل عشق و یا بغرض دزدی خود ها  
اشغال می کنند .

در انگلستان

هر شخص که خیال گشتاندن و داشتن اسلحه  
را داشته باشد ، برای بدست آوردن آن  
به اداره پولیس مراجعت نموده استیذان  
خرید آنرا حاصل میدارد اداره پولیس  
آنجا از وزیر مختار ما ؛ تمنا کردند  
تا سلام و محبت قلبیه و آرزوهای نیک  
شانرا بحضور اعليحضرت محمدنادرشاه غازی  
تقدیم نمایند . بعد از آن محفل مذکور  
بساعت يك شب خاتمه یافته و آقای  
وزیر مختار ما فردای آن از مملکت  
سويس بپاریس عودت فرمودند .

بعد از غور و تحقیقات دقیق هرگاه عذر  
مذکور را مقبول دانست ، اجازه برایش  
میدهد .

از طرف دیگر وقتی که خریدار  
استیذان پولیس را به دوکان اسلحه فروشی  
می برد ، اسلحه فروش اسم ، ادرس ،  
شغل خریدار را بانمره جوازنامه  
پولیس ونمره اسلحه یاد داشت میکرد .

در البان

در البان آلات ناریه بجز اشخاصی که  
اجازه نامه مخصوص داشته باشند ، بدیگر  
کسی فروخته نه می شود و علاوتاً ملك  
آن مجبور است که اسلحه را در خانه خود  
نگهدارد و اگر بخواهد که آنرا باخود  
بگرداند ، مکلف است که مجدداً بداره  
پولیس مراجعت نموده استیذان حاصل  
نماید . و این امریست که به بسیار مشکلی  
حاصل می گردد ، حتی غیر ممکن است .

برای خرید کار توس و غیره سامان  
کار آمد اسلحه که بآن ضرورت بیافتد  
بار هم بایستی بداره پولیس مراجعت  
کرده ، جواز خط قانی حاصل نماید .

در ایتالیا

در ایتالیا ؛ در هر شهر آن چند  
دوکان معین اسلحه فروشی مجاز اند که  
اسلحه فروشی بنمایند ، و خریدار بای  
اسم و ادرس خود را به اسلحه فروشی



## خبرهای داخلی

### ورودی یکی از طلاب فارغ التحصیل

آقای محمد حسین خان محصل افغانی در پاریس و متخصص پست و تلگراف بعد از طی دوره تعلیم و اخذ دیپلوم درین روزها وارد کابل گردیدند.

و از قراریکه اطلاع یافته ایم آقای موصوف عذا لورود بوزارت جلیله معارف حضور رسانیده دیپلوم و شهادت نامه خود را بحضور ع ج آقای وزیر صاحب معارف تقدیم نموده وزارت

جمعیه مذکور به «ارنگیتو» - یعنی شادی جنگلی که بانسان شباهت دارد و به جمعیه انسان های وحشی قدیم شباهت دارد.

پروفسر های اروپائی از يك مدت در خیال بودند که مابین انسانهای ما قبل التاریخ و بعدان يك نوع انسانی بوده است که کار حلقه بندی این مردم سلسله تناسل را میدهد. گمان دارند که حصول این جمعیه راحل خواهد کرد. علاوه آنکه در مسایل ارتقا (فلسفه داروینی) نیز معلومات کثیره و مفیده خواهد رسانید. حکیم مذکور میگوید که از وجود این جمعیه نیز این معلوم می شود که پیدایش گاه انسان قدیم وسط آسیا نبوده بلکه جنگلهای انبوه و غیر قابل عبور افریقائی بوده است.

بدهد. مگر به نشان دادن کاغذهای خود از قبل تذکره و غیره مجبور نیست از داشتن اسلحه در خانه خود مکلف نیست به اداره پولیس اطلاع بدهد مگر وقتی که میخواهد آنرا با خود بگرداند.

### در هسپانیه

در هسپانیه، خرید و فروش اسلحه بسیار دشوار است، چه شخص خریدار باید بداره پولیس رفته جواز حاصل نماید. علاوه آنکه در خواست نامه خود بایستی عذر و دلیل مجبوری خود را بداشتن اسلحه و هم چنین سوانح خود صریحاً بنویسد. این رسمیات الی یکنیم ماه دوام می کند، مگر اسلحه فروشان آنجا چندان پابند باین مسائل و رسمیات نه می باشند و خفیتاً می فروشند.

کشف یک جمعیه پنج هزار ساله و نظریه يك عالم اروپائی

در بحبونه ایند (افریقای جنوبی) مستر وارک پروفسر دارالعلوم دت وایر ایر لند، يك جمعیه عجیب الخلاقیت را بدست آورده است که نجاه فت در زیر زمین در میان چونه و سنگ خاره باهم امیخته شده و بطوری تغییر نموده بود که صورت حجر را اختیار نموده بود. وجود این جمعیه از حیث ساختمان برای انکشافات علمی و تاریخی يك جز مهم تصور کرده می شود. زیرا

بعد از ملاحظه دیپلوم و شهادت نامه شان آقای محمد حسین خان را به مدیریت مستقیم پست و تلگراف معرفی نمودند و ملاقات آنجا مشغول وظیفه میباشند.

انیس :- ورود آقای مو صوف را بمعوم هموطنان و معارف خواهان تبریک گفته برای آقای متخصص توفیقات مرید می خواهد.

### سنگ تهداب کلوپ عسکری

روز پنجشنبه ساعت ۵ بعد از ظهر در ملوکانه به محضر منصبدا ران عسکری ال درجه کند کشران و ما مورین مای ال درجه معین ها و روسای دوایر سنگ تهداب کلوپ عسکری و زارت جلیله حرب بدست خویش گذاشتند.

### در مکتب امانی و امانیه

اولایای طلاب مکتب عالی امانی بروزی شنبه ۱۵ ثور بساعت چار و نیم بعد از ظهر و اولایای طلاب مکتب عالی امانیه برو پنجشنبه ۱۶ ثور از طرف وزارت جلیله معارف برای معاینه پروگرام نظری و عملی که بعد از امتحان سالانه گذاشته می شود دعوت شده بودند.

### منظوری جدید شفاخانه

چون حکومت علیه، برای صحت عوام همیشه کوشان بوده و به بهبودی آینده آن سعی و کوشش زیاد می نماید، فلذا در تازگی ها مبالغ دولك روپیه جهت تعمیر



از نامه نگار مخصوص ما

اجرا آت حاکم صاحب کلان شمالی  
قبلاً راجع به زمین ع عبد الرزاق  
خان حاکم کلان شمالی در تگاب و نجراب  
بطور خبر اشاعه یافته بوده . انیک تفصیل  
اجرا آن شانرا که ذریعه نامه نگار ما  
واصل اداره گردیده است ، بمنجه اشاعه  
می گذاریم :

۴۲ نفر محبوسین که ۱۳ نفر آن از  
اهالی تگاب و ۲۹ نفر آن از نجراب  
بود ؛ و در مرکز کابل توقیف بودند ،  
بغرض فیصله و تحقیقات به حکومت کلان  
فرستاده شده بود و لهذا بتاريخ ۳ برج  
حمل محبوسین مذکور بموضع معینه اعزام  
و متعاقباً آقای حاکم صاحب کلان بتاريخ  
۴ برج مذکور عازم نجراب گردیدند .  
و در انجا از طرف اهالی بیکمال گرم  
جوشی استقبال شان بعمل آمده و از حسن  
نظریه حکومت متبوع و اعمال مامورین  
اظهار خرسندی نمودند . و نیز حاکم  
صاحب نطق مفصل راجع به اتحاد و

شفا خانه جدید منظم عصری که دارای  
جمع لوازمات صحی بوده باشد از طرف  
حکومت منظور گردیده است .

استخدام دا کتر

آقای دکتر ربیع حکمت بیگ که سابقاً در  
مدیریت مستقله طبیه کاترات داشت ( و در  
زمان انقلاب بوطن خود رجعت نموده بودند )  
مجدداً استخدام و خواسته شده اند .

اتفاق ایراد نمود .

روز ۶ حمل سرآ و بحضور اهالی علناً  
شروع به تحقیقات محبوسین کرده شد  
و در نتیجه عموم اهالی به خوبی آنها  
تصدیق و ضامن اعمال آینده شان  
گردیدند .  
و فردای آن روز را برای عرض و داد  
اهالی تخصیص دادند .

بعد از تنظیم امورات نجراب آقای  
حاکم صاحب عازم تگاب گردیدند و اهالی  
مذکور برای استقبال شان به حد کوره  
حاضر و معروضه اخلاص و صداقت ، و وفا  
داری خود را به نسبت حکومت عادل  
نادر شاهی ابراز نمودند و از طرف جناب  
حاکم صاحب جواب موثری ایراد گردیده ؛  
( عرض شانرا بمرکز تقدیم نمود ) و بعد از  
آن وارد تگاب گردیدند .

در تگاب هم حاکم صاحب راجع به  
محبوسین انجا تحقیقات بعمل آورده و بعد  
از ترخیص آن ها زیارت آستانه مبارک  
رفتند بعد از فراغت دعا و استحصال  
ملاقات جناب میا کل صاحب و غیره مشایخ  
عظام بحکومتی مراجعه نموده بغورسی و  
حقرسی اهالی شرعاً پرداختند - اگر  
تمام اجرا آن شان تشریح داده شود ،  
بطوالت می انجامد ، ولی از آن جمله ۳  
مسئله بطور نمونه نشان داده می شود :  
اول ! يك نفر اعا از سالها است که املاک  
مذکور را عموزاده هایش ضبط و تحت  
نصرف خود آورده تقسیم علی السویه نموده  
بودند به غورسی حافظ مذکور احدی نرسیده  
به لنگر صاحب مبارك تگاب متواری و منزوی

شده بود در اثر بیانیه اسلامیت کارانه حاکم  
کلان عموزاده های مذکور املاک حافظ  
مزبور را باندازه تقریباً مبلغ سی هزار روپیه  
قیمت داشت بعد از ۱۵ سال استرداد التزام  
شرعی دادند که در آینده مدخله نمیکشیم .  
۲ ! در اواخر انقلاب موازی هفت راس مرکب  
معه هفت بار گندم تقری کوه دامن را در  
حدلند و خیل تگاب عصباً گرفته بودند آنها نیز  
در اثر نصایح خیر خواهانه حاکم کلان موازی  
پنج راس مرکب مذکور که وجود داشت  
اعاده و دو راس که تلف شده بود قیمت  
آنرا مع قیمت بارهای گندم نادیه نمودند .  
۳ چشمه آب و زمین مزروعی که بین  
اهالی و قریه دار نزاع کلی بود الا حال  
به هیچ حکومت فیصله نشده بود خود  
حاکم کلان در موضوع مذکور رفته مسئله  
مذکور اصلاح و بخوشی جانبین انجام  
یافت .

بعد از انتظام و انفصال معاملات تگاب  
عازم نجراب شده در ارض راه نظر به  
دادند که آبیکه از جانب نجراب ساری  
و به طرف يك حصه تگاب جاری میباشد  
تصویب نمودند اگر بند انداخته شود و از  
آب مذکور کار گرفته شود گویا يك  
تگاب دیگر آباد میشود و نیز راه  
سولانك که يك موضوع صعب المرور  
است و در يك جانب تسهیلات زیاد مد نظر  
و موثرالی تگاب بلکه گذشته عبور و



## خبر های خارجی

تاس :

رئیس الوزراء ترکیه درس مس س ر استانبول - ۲۴ اپریل - نمایندگان حکومتی و عاملین سیاسی تور کیه بر بابت عصمت پاشا رئیس الوزراء ترکیه از استانبول با کشتی شورویه

مرور کرده میتواند تحت غور گرفتند که يك سرشته اساسی که باعث آرامی عابری است بفرمایند و هم در حد سولانک و یا عبد الله برج و نخلو فکر نمودند اگر سرشته پیل اساسی بشود رعایای صادق شاهانه از صدمات بردن آب بر کنار و وجه مصارف مذکور در يك سال بدست خواهد آمد .

خلص اجرا آن ع ع حکمران کلان تقدیم و هم يك مسئله که در حین عبور بمشاهده رسیده خیلی رقت آور و اسف ناک است میخواهم که طور اختصار ذکر کنم در حد علاقه داری نفلو که موضع کشت جاله میباشد درین اوقات کوچی ها عبور و مرور میدارند بلکه مجبورند که عبور کنند صبح ساعت ۷ بجای مشاهده داشتیم که سه نفر افغان ها بالای اشتر سوار عزم عبور کردند در حین عبور ، بین دریا اشتر و آدم مذکور نامعلوم و بار مذکور ناپدید گشت دو نفر رفقاء مذکور به حالت سراسیمه کی برآمده خیلی مایوسانه در پایان دریا نظاره کرده در نتیجه رفقا بدست شان نیامده بالاخره عزیمت اختیار کردند .

و کز جیا ، بطرف س س س ر حرکت نمود .

توفیق رشدی بیگ وزیر امور خارجه رجب بیگ سکر تر عمومی مجلس خاق با چند نفر اعضای مهم مجلس مبعوثان و عاملین مهم مطبوعات تور کیه و متخصصین نیز بارتیس الوزراء همراه هستند . هیئت نماینده کی مذکور را سفیر کبیر و نماینده تجارتی و آتش ملیتر روسیه در تر کیه مشایعت می نمایند .

### نظریه مطبوعات ترکیه

استانبول - ۲۶ اپریل - مطبوعات ترکی رفتن نماینده کی حکومتی و عاملین سیاسی تر کیه را درس س س ر خوب تلقی می نمایند .

« جمهوریت » اشاره می نماید که روسیه شورویه اول حکومتی است که تور کیه جدید را شناخته و با صمیمیت کامیابیمهای او را در مجادله استقلال تعقیب می نمود . « رقت » نیز یاد دهانی می نماید که جمهوریه شورویه یگانه مملکتی است که دست دوستی خود را با محبت تمام بطرف تر کیه دراز نمود .

### مطبوعات روسیه

مطبوعات روسی نیز مسافرت رئیس الوزراء و عاملین سیاسی تر کیه را درس س س ر به گرم جوشی پذیرائی می نمایند . چنانچه جریده « اینز ویستیا » در سر مقاله خود

چنین می نویسد :

« شناسائی قریب و با همی حکومتان شورویه و تر کیه حرکت جدیدی راجع به استحکام و توسعه دوستی تاریخی شورویه و تر کیه بشمار میرود . »

### هیئت ترکیه درس مس س ر

ماسکو ۶ می عصمت پاشا و توفیق رشدی بیگ و دیگر عاملین حکومتی و سیاسی ۲۶ اپریل وارد ادیسه گردیدند و در اینجا در بحر از طرف کر وار زور و پرف این ترن ، که حامل راغب بیگ سفیر کبیر تور کیه و نماینده کلان کمیساریات امور خارجه و اعضای حکومت ادا کرانیا و ادیسه بود ، استقبال نموده شد در شهر بعد از تبدلات ملاقات ها و دعوتیکه بشرف مهمانیها داده شده بود ، شهر را گردش کردند .

ماسکو - ۶ می - هیئت نماینده کی تر کیه در ماسکو با بسیار صمیمیت و خوشی استقبال کرده شدند . کوچه های ماسکو با بیرقهای تر کیه و شورویه و عماران با نوشته های تحیت بزبان ترکی مزین بودند .

مهمانان تر کیه ماشین خانه بزرگ « شاریکو یود سنیک » و ماشین خانه او تو مو پیل سازی موسوم به سنالین را تنها نمودند .





مؤلف : امیرالبیان شکیب ارسلان

مترجم : محمد ابراهیم

## علت پس ماندگی مسلمانان و پیش رفت اغیار

بسم الله الرحمن الرحيم

(سوره رعد)

ان الله لا يغير ما بقوم حتي يغيروا ما بانفسهم

ذالك بان الله لم يک مغیر آنعمته انعمتها علي قوم حتي يغيروا ما بانفسهم

(سوره انفال)

من که بنابر تحریرات زیاد او که برای نامه های شرق و غرب و دوستان خود می نماید دائماً با و نصیحت می کنم بارنحریر را ازدوش خود کم کنند ، با وجود آن هم مکتوب شیخ محمد بسیونی را بعد از رسیدن باو فرستادم . مگر جواب آن بنابر گرفتاری زیاد امیرتازمان عودتش از مسافرت اخرین او به اسپانیا معطل ماند . در اندلس و مغرب اقصی شکیب ارسلان نشانه های نهضت قوم عرب مارا و نیز مساعی فرانسه را که مانند مساعی ساقی اسپانیا جهت نصرانی ساختن اسلاف شان است راجع به نصرانی ساختن « بربر » بصورت مقدمه نصرانی ساختن اصراب افریقه که به مصیبت غلامی آن گرفتارند مشاهده نموده جواب را نیز در حالی نوشت که ازین مسائل متأثر گردیده بود . و این تحریر نشانه از نشانه های بلاغت و دلیلی از دلائل حکمت اوست . و شاید بهترین چیز است که از سرچشمه غیرت و منبع دانش او نبوغ نموده در حیطه عبارت در آمده است جزاء الله خیر ماجزی العجا همدین الصادقین .

محمد رشید رضا

مکتوب شیخ محمد بسیونی عمران حضرت مولا و استاد من ، صاحب کبیر ، سید محمد رشید رضا صاحب المنار نفی الله و المسلمین بوجوده العزیز . آمین اسلام علیکم و رحمته الله و برکاته اما بعد کسی که مقالات روان و دارای موضوع های مختلف سیاسی کبیر امیرالبیان امیر شکیب ارسلان را در المارو جراید عربی خوانده است ، میداند که او یکی

متینه اوست ، درین موضوع چیزی بننگارد تا مسلمانان مجدداً از وضعیت موجود خود متأثر گردند و تحریر اوسبب تنبیه مسلمانان غافل ، و تبعیض جهلاء و تهیج اشخاص افسرده و تشجیع اشخاص صاحب عمل گردد . و اقترح مذکور را بر سوال های ذیل بنا نموده است که در نزد اشخاص غیر عالم دین مورد شبهه بر دیانت واقع میگردد . ولی شیخ موصوف از روی دروس ما که در مد رسه دعوت و ارشاد استماع نموده است و نیز از بیاناتی که مکرراً در المنار و تفسیر آن نوشته ایم می داند که کتاب خداوند تعالی بر کسانی که دعوی اسلام و ایمان را دارند ، حجت است ، و وضع ایشان بر کتاب الله حجت بوده نمیتواند :

من نیز این اقترح را غنیمت دانستم تا برادر و دوست خود امیر شکیب را به تحریر همچو یک مضمون برای المنار وادار سازم .

شاگرد من ، المرشد شیخ محمد بسیونی عمران امام مهاراجای جزیره سبیس بونی ( جاره ) مکتوبی به من نگاشته بر برادر مجاهد ما امیرالبیان اقترحی نموده است که بقلم روان خود ، عاید به عالم ضعف مسلمانان و اسباب قوه فرنک و جاپان و عزت شان از روی ملک و برتری و قوه و ثروت در عصر حاضر در مجله المنار مقاله تحریر دارد .

شیخ مذکور در مکتوب دیگر خود گفته بود ، مطالبی را که مادر المنار و تفسیر آن راجع به تشریح اسباب این دو مسئله تحریر نموده بودیم و هم چنان چیزی را که استاد امام در مقالات خود موسوم به ( اسلام و نصرانیت با علم و مدایت ) درین موضوع تطبیق نموده بودند خوانده و مطالعه نموده است :

معهذا لیک مقصود شیخ اینست که امیرالبیان ( شکیب ارسلان ) بقلم مؤثر خود که نماینده معلومات وسیع ، و افکار



از بزرگترین نویسندگان مدافع اسلام و برای المنار و مالک او در خدمت اسلام و مسلمانان بازوی متینی است و از خداوند رجا میکنم که هر دو ایشان تادیر به خیر و عافیت باقی بمانند .  
و هم چنان از مولای خود مالک المنار رجا می نمایم از امیر موصوف که کاتب بزرگست خواهش نماید که لطف فرموده به سوالاتی من جواب بدهد سوالهای من قرار ذیل است :-

۱- آیا علت ضعف و تنزلی که مسلمانان ( خصوصاً ما مسلمانان جاوه و ملایا ) در امور دین و دنیا بدان گرفتاریم ، و بدرجه ذلیل شده ایم که هیچ قوت و اختیاری بدست مانمانده است چیست ؟ حال آنکه خداوند در کتاب عزیز خود میفرماید که ( ولله العزة لرسوله و المومنین ) . پس حالا آن عزت مومنین کجا است ، و آیا درست است بکنفر مسلمانان ، با آنکه ذلیل و پست است و از اسباب عزت هیچ چیز در نزد او نیست ؛ به محض آنکه خداوند تعالی گفته است که ( ولله العزة لرسوله و المومنین ) دعوی عزت کند ؟

۲- اسبابی که اروپائی ها و امریکی ها و جاپانی ها با وجود آن به ترقیات زیادی نائل شدند کدام است ؟ و آیا ممکن است مسلمانان نیز در صورتیکه متابعت شانرا اختیار نمایند با محافظت دین ( اسلام ) مانند ایشان به آن ترقیات واصل شوند و یا خیر ؟

این اود سوالات من و از فضل امیر تمنی دارم که جواب این سوالات را در المنار تشریح نماید . و درعین زمان برای او واستاد صاحب المنار اجر بزرگی می خواهم .

محمد بسیونی عمران  
سمبس بورنیوی غربی - ۲۱ ربیع الاخر ۱۳۴۸

\*\*\*

این مضمون مکتوب سائل است .  
بعد ازین جواب امیر می آید و ما برای جواب مذکور بعضی عناوین وضع نمودیم و عنوان های مذکوره خدمتی را ایفا خواهد نمود که منازل را ، برای رهروان ایفا میدارد . و علاوتاً مانند حواشی که در کتاب ( اسلام و نصرانیت ) شیخ خود استاذ امام ( رح ) نوشته بودیم ، بر این تحریر نیز بعضی از حواشی را که برای خواننده گان مفید واقع میگردد ، در حیطه تحریر آوردیم .

## جواب

امیر شکیب ارسلان

پستی وضعی که مسلمانان بدان گرفتارند عبارت از يك چیز است که بصورت عموم درشرق و غرب برای شان ساری و سایر بوده ، محدود به جاوه ، ملایا ، یا کدام خطه دیگری نیست . مگر انحطاط مذکور در درجات خود متفاوت بوده و بعضاً خیلی عمیق و قسمی دارای عمق کمتر و برخی خیلی خطرناک و يك صنف دیگر آن کمتر دارای خطر می باشد .

مختصراً حالت حاضره مسلمانان و مخصوصاً درین قرن چهاردهم هجرت و یا قرن بیستم مسیحی گذشته از مسلمانان که حمیت ندارند ، حتی اشخاصی را که غیرت دینی زیادی نیز ندارند ، راضی نه می سازد و حالت موجوده شان نه از روی دین و نه از نقطه نظر دنیا و نه از جهت ماده و نه از طرف معنی از هیچ سو مورد رضایت واقع نه میگردد .

و می بینید که درممالکی که اغیار با مسلمین يك جا اقامت دارند مسلمان ها از اغیار عقب مانده ، بجز بصورت نادری در هیچ چیز برابر ایشان شده نه می توانند و من درین عصر از هیچ يك گروه اسلامی اطلاعی ندارم که با ملل دیگر در يك جا سکونت داشته و درعین زمان از ان ملل عقب مانده تر نباشد . باستثنای بعضی از مسلمین مثلاً مسلمانان « بوسته » که معنای ماده از نصرانی های کاتولیک وار تو دو کس ها که اطراف شانرا گرفته اند پست تر نیستند ، بلکه از هر دو بلند تراند ، و هم چنان بسیاری از مسلمانان روسیه که از مسیحیونی که اطراف شانرا احاطه نموده اند عالی تر می باشد و نیز مسلم است که مسلمانان چین صرف نظر از عقب مانده کی عمومی ملت چین ، از چینی های بودائی بدش تر رفته اند . اما این راهیم بشرطی می توانیم بگوئیم که ، نسبتی که قبل از حرب در بین این دو فرق ملت چین موجود بود بحال خود باقی باشد .

( باقی دارد )



مؤلف : له پلاتیه فرانسوی

( ۲۸ )

مترجم : حبیب الله طرزی

مادام سان ژین

از فصل ۲۰

( استخلاص هانریوت )

چنانچه پیش ازین تذکار نمودیم له فیور برای گرفتن (دانش) اراده قطعی نموده بود زیرا کمکی که انتظار داشت رسیده و دونفر سربازان مجرب و شجاع مثل ( اودینو ) و (مورئی) معاون خوبی یافته بود .

به نجا ویز و پلان انجنیرها احتمال داشت بعد از چند روز شهر را بگیرد ولی باید از نجات پسر خوانده بکلی دست می شست بنا بران بمسئولیت خود بمشوره ( اودینو ) و (مورئی) به تسخیر شهر اقدام نمود .

ساعت ۸ شب را نشان میداد که چهار ستونه عسکر هریک مرکب از چهار هزار نفر سر باز در خندق بی آب که اطراف شهر را احاطه کرده بود در آمد و در زیر دمدمه قلعه که به تیر کش ها امتداد می یافت بادشمن مقابل شدند این دمدمه با انواع مانع ها از قبیل میخ های بزرگ و دیگر آلات مدافعه و وجه آن وقت مدافعه میشد سربازان فرا نسوی بدادن تلفات زیاد و شجاعت فوق العاده این حصه را از وجود المان ها پاک ساختند حال حصه دشوار ترین باروی قلعه باقی مانده بود که باید فتح میشد بعد از آن بداخل شهر

میر رسیدند . المانها درین حصه چند عدد شه تیرهای بزرگی را بواسطه ریسمان ها آویخته بودند تا در اثنای هجوم ریسمان را بریده بک حصه زیاد مهاجمین را در زیر آن خورد کنند . برای انسداد این حادثه داو طلبی خواستند که بالا رفته ریسمان ها را قطع کند تا این شه تیر ها بیشتر از وقت افتاده برای عبور سربازان راهی بسازد .

لا ویوات بطرف ژنرال دسته پیشرفته گفت « هیچ شبه نیست که بسیار اشخاصی دلیر تر از من در ار دوی امپرا طوری وجود دارند که این شرف را از من مستحق تر باشند ولی من خودم را از این جهت تقدیم میکنم که بواسطه بلندی قامت بدون مدد زینه و ریسمان بالا برآمده میتوانم ، مازور تنبور چنان باین الفاظ اجازة بر آمدن قلعه را گرفت .

در ده دقیقه دیگر بامهارت و سرعت کربه بدون آنکه از طرف پروس هادیده شود ، بر قلعه بالا رفته و با کریچ برهنه ریسمان ها حمله نمود . در یک دقیقه دیگر چوب ها با صدای سهمناک و مددهشی بک بردیگر غلطیده خندق دومین را ملال ساخت .

با افتادن چوب ها له فیور با صدای رعدا ساشمشیر خودش را کشیده نمره زد : « شیران من به پیش ! دانش از ماست ،

این نمره مارشال را نمره « زنده باد امپرا طور » سربازان جواب داده و مانند سبلی جوشان و خرد شان که هیچیک قوه مقاومت آن را کرده نتوانندیم اندازان ( اودینو ) صیحه زنان ولانت گویان بر قلعه آخرین شهر بالا برآمدند . ازین وضعیت پروس ها باندازه سراسیمه و مبهورت منده بودند که یک فیرهم بر مهاجمین نکردند تا آنکه فرانسویان قلعه را متصرف شده و شلیک مددهشی را بر پروسهای فاقه کشیده دهشت زده باز نمودند ، درین وقت ساخو قدری از خواب بیدار شده بنای مدافعه را گذاشته و شلیک را جواب دادند ولی کار از کار گذشته و مقابله مهاجمین فاتح بدکلی ناممکن بود !

مارشال ( کالکروت ) مقابل را غیر ممکن و بی فایده یافته خواهش تسلیم نمودن شهر را ظاهر نمود و کله باری از دو جانب انقطاع یافت . هنوز شرایط تسلیم در بین فاتح و مفتوح در زیر بحث بود که لا ویوات با تمداد کبی از سر باز بداخل شهر در آمده به نجات ( هانریوت ) شتافت .

( فصل بیست و یکم )

( مکافات )

اخبار فتح این شهر مهم شمال ، ناپلئون را باندازه ممنون و مسرور ساخت که خواست بشخص شخص خود ملاحظه موضع را نموده فاتحین آنرا انوارش کند و هم بر استحکامات و ذرایع استفاده



آن عام بیاورد . ازین جهت بیشتر از آنکه بر شرایط تسلیم اتفاق حاصل شود و یا آنکه انتظام اردوگاه از قوه بفعل آید ناپلیون مرکز اردوگاه های خودش را در ( فنکشتن ) گذارده وارد ( دانزخ ) گردید . امپرا طور بطرز ساده درست مار شال له فور و عسا کر فاتح را که بسلام او مجتمع شده بودند ، تبریک و ستایش نموده برای ملاحظه تسلیم نامه بموضع کار خودش که از پیش تهیه دیده شده بود برگشت . هنوز بحیثیت داخل نشده بود که ( راپ ) زن مارشال له فور را اعلان نمودنا پلین متحیر شده نعره زد . زن مارشال در اینجا چه بلا میبخواهد ما میدانیم که علاقه زیادی با شوهر خودش دارد و این محبت و علاقه او بشوهرش باید موجب حسد تمام خانمهای دربار ما باشد ولی این دلیل شده نمیتواند که در میدان حربه آمده بر مارشال دیده بانی کند ! جای زنهای مارشال های من در دربار ملکه و موضع شوهر های شان در میان سر بازان ، امپرا طور این الفاظ را پی هم و بیک سلسله گفته خاموش شد و بعد از لحظه تبسم نموده بسخن خود دوام نمود : - « این زنهای عجیب مخلوقند ! اگر من روزفین را باختار خودش میگذاشتم حال در اینجا با من بکجامی بود . چنانچه در مکتوب آخرین خود مینویسد خواهش مفرطی برای دیدن سر زمین مقبول بولند دارد ولی بخيال من مقصدش از مقبولی شه فام

های بولندی بوده است ! احتمال دارد که فرستادن مادام له فور نیز مفید بوده او باشد و برای دیده بانی من آمده باشد ؟ باید دید که مقصد چیست ؟ اگر چنین باشد سان ژین را ترسانیده بفراو مجبور خواهم ساخت ! راپ مادام لا مار شال را بفرست »

کاترین با وجود این نام بزرگ مارشالی باز هم در حضور امپرا طور مرعوب می بود . ناپلیون بیک طرز دهشت ناک در مردم مینگریست که مخاطب خیال مینمود که نگاهای او نشتر است و در اعماق روح او فرو میرود ! ازین درشتی طبع خود در حضور خانمها نیز خود داری کرده نمیتوانست تقریباً تمام اقوام جنوبی بیک قسم تنفر مخصوص از خانمها دارند ولی این حس را در زیر پرده ملمع اصطلاح و اعتیاد می پوشاند مگر ناپلیون ازین ملمع کاری عاری بود .

حکایات زیادی راجع به انفجار این کج خلقی های او در دربار ها و اعیاد و مجالس خصوصی بتذکار مانده است این نیز اکتی های بعضاً منصفانه می بود چنانچه از جواب مشهور او بمادام ( ستایل ) بخوبی ظاهر میگردد این ادیه پدش بان روزی بخيال اینکه امارا طوریکه بازنها عموماً درشت وضع است مدح و ثنائی برای خودش حاصل کنند پرسید . « اعلیحضرتا کدام قسم زن را از همه زیادتیر دوست میدارید »

ناپلیون بایک وضع بد ساخت « زنی را که برای شوهرش اولاد زیادی بیاورد » این جمله را

گفت و بی کار خودش رفت و مادام ( ستایل ) را گذاشت تا در خطره نجسس مدح از ناپلیون غور کنند .

کاترین بان او ضاع او بکلی معلومات داشت و دیده بود که چه طور ناپلیون خانم های را که ازو التماس مستقیم می نمودند در مجالس بزرگ جوابهای سخت میداد . اکثر این خانم ها از قبیل مادام ( رموسا ) و غیره . بعد از سقوط او انتقام خود را بقلم ازو گرفتند . زیرا ناپلیون با وجودیکه بد نام بود از پیشرف ساختن شان انکار نموده بود . زن مارشال ازین گونه خوف ها عاری بود ولی از نا کامی رسالت خودش به نهایت نگران میبود .

از کمال رسائی طالع خود ناپلیون را درین ملاقات به نهایت مبتهبع یافت اگرچه حیرت خودش را از دیدن کاترین پوشیده داشته نمیتوانست با هم بیک وضع مرغوبی او را پذیرائی نمود کاترین بکمال احتیاط شروع بمعرض مطلب نموده اول از پریشانی امپرا ترس راجع بصحت امپرا طور وارزوی همسفری و انتظار نبود سلامتی صحبت نمود ، و بعد از آن بالهجه بسیار مؤلم خبر مرگ ناپلیون شارل ، پسر ( هور تنز ) را گفت بشنیدن اینخبر خجسته ناگهائی ازسینه امپرا طور برآمد .

( باقیدارد )